



Original Article

The Concept and Application of Regulation in The Institution of Family; A Comparative Review in Iranian and French Laws

Mostafa Mohaghegh Damad¹, Mehrangiz Shahmoradi Zavareh² , Asadollah Yavari³,
Gholamali Seifi Zeynab⁴

ABSTRACT

Family policy is a remarkable example of regulation in its special meaning. There are different theories and approaches to regulation in the Institution of family. In consideration of the state theory and the supporting theoretical basis, Iran and France's States, have justified their family regulation based on the prioritizing public interest on individuals, public order and good morals, legal paternalism and legal moralism, protecting the rights and individual freedoms, especially for the minorities, guarantying human's dignity, equality, justice, and considering The Harm Principle. However, there are fundamental differences between the two legal systems despite some similarities in the quality, the quantity and the basis (criteria) of the regulation in the Institution of family. Although the family is included in the governmental regulation, this needs to be exceptional, regulatory, protective, minimal and based on the necessities, rationality and law. Regulation in the Institution of family should not be in the form of incumbency and maximalist; but it should have supportive and minimal aspects. The debate is how and what extent regulation in the family field can be accepted. The main issue of this research, from the legitimacy of regulation, focuses on the method and scope of regulation by the government, as well as the quantity and limits of this regulation.

KeyWords: Maximalist Regulation, Minimal Regulation, Desirable Regulation, Regulator, Family Policy.

How to Cite: Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, Shahmoradi Zavareh, Mehrangiz, Yavari, Asadollah, Seifi Zeynab, Gholamali, "The Concept and Application of Regulation in The Institution of Family; A Comparative Review in Iranian and French Laws", Legal Research, Vol. 27, No. 106, 2024, pp:1-18.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.233387.2604>

Received: 09/10/2023-Accepted: 21/01/2024

1. Professor of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
2. PhD., Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Corresponding Author Email: mehrangiz.sh71@gmail.com
3. Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مفهوم و کاربرد رگولاسیون در نهاد خانواده؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه

سیدمصطفی محقق داماد^۱، مهرانگیز شاهمرادی زواره^۲، اسدالله یآوری^۳، غلامعلی سیفی زیناب^۴

چکیده

سیاست‌گذاری خانواده از مصادیق ملموس رگولاسیون به معنای اخص آن است. نظریات و رویکردهای متفاوتی درباره رگولاسیون توسط دولت در نهاد خانواده مطرح شده است. دولتین ایران و فرانسه با عطف توجه به نظریه دولت و مبانی نظری پشتیبان و توجیه‌کننده خویش، رگولاسیون خود را در نهاد خانواده در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بر رعایت ملاحظات از قبیل تقدم منافع عمومی بر حقوق و منافع فردی، نظم عمومی و اخلاق حسنه، اصل پدرسالاری و اخلاق‌گرایی قانونی، حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص (به‌ویژه حمایت از حقوق طرف ضعیف)، تضمین کرامت انسانی و اصل برابری، تضمین عدالت و استناد به اصل ضرر، توجیه می‌کنند. بدیهی است که چگونگی، میزان (حدود و ثغور) و مبانی (شاخص‌ها و معیارهای) رگولاسیون در نهاد خانواده در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، باوجود برخی تشابهات، تفاوت‌های بنیادین با یکدیگر دارد. نهاد خانواده در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، از رگولاسیون توسط دولت مصون نیست؛ اما این رگولاسیون باید جنبه استثنایی، تنظیم‌گرایانه، حداقلی و مبتنی بر ضرورت، عقلانیت و قانون داشته باشد. رگولاسیون در نهاد خانواده نباید به شیوه تصدی‌گری و حداکثری باشد، بلکه باید جنبه حمایتی و حداقلی داشته باشد. بحث بر سر این است که رگولاسیون در حوزه خانواده به چه شیوه و تا چه مرزی قابلیت پذیرش دارد. مسئله اصلی این پژوهش از اصل مشروعیت رگولاسیون بر نحوه و حوزه رگولاسیون توسط دولت و همچنین میزان و حدود و ثغور این رگولاسیون متمرکز است.

کلید واژگان: رگولاسیون حداکثری، رگولاسیون حداقلی، رگولاسیون مطلوب، رگولاتور، سیاست‌گذاری خانواده.

استناد به این مقاله: محقق داماد، سیدمصطفی، شاهمرادی زواره، مهرانگیز، یآوری، اسدالله، سیفی زیناب، غلامعلی، «مفهوم و کاربرد رگولاسیون در نهاد خانواده؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، شهریور ۱۴۰۳، صص: ۱-۱۸.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.233387.2604>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

۱. استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: mehrangiz.sh71@gmail.com
۳. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

رگولاسیون مفهومی است که تحولات اقتصادی گوناگون، بستر پیدایش و تکامل آن بوده است؛ ضمن آنکه نسبت به گذشته، تفاوت معنایی داشته است.^۱ سیاست‌گذاری خانواده، به‌عنوان یکی از مصادیق رگولاسیون در معنای اخص در اتحاد بسیاری از حوزه‌های تصمیم‌گیری در حوزه سیاست‌گذاری و ارائه خدمات اجتماعی، محور گفتمان‌های عمومی زیادی قرار گرفته است.^۲ به‌صورت مختصر، شاید بتوان آن را مجموعه‌ای از سیاست‌ها درباره خانواده دانست که به‌منظور حمایت از رفتارهای مطلوب اجتماعی تنظیم می‌شود.

هر دولتی (به معنای عام کلمه، اعم از تمامی نهادهای عمومی قوای حاکمه) ناگزیر است در نهاد خانواده مداخله و بسان سایر بخش‌ها برای خانواده نیز سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری کند. اما این امر به آن معنا نیست که با رگولاسیون نابه‌جا و ناروای خود، موجب اضمحلال نهاد خانواده و به تبع آن جامعه شود. بنابراین، رگولاسیون حداکثری دولت در نهاد خانواده ممکن است آثار و نتایج نامطلوبی به دنبال بیاورد.

درباره چگونگی تنظیم‌گری حقوقی دولت در اداره امور خانواده، برخی بر این اعتقادند که اساساً، دولت نباید در نهاد خانواده تنظیم‌گری کند و نهاد خانواده خود با توجه به ماهیت درونی، توانایی اداره شدن را دارد. باین‌حال، نقش رگولاسیون دولت در نهاد خانواده در اداره بهینه خانواده و تنظیم روابط موجود در آن نهاد مورد انکار واقع نگردیده است. از این‌رو، مداخله تنظیم‌گرایانه و بجا در تنظیم روابط خانوادگی، برای ایجاد استحکام روابط و برقراری توازن در جامعه ضروری است. بر این اساس، مناسب است با رویکرد تطبیقی و روش استقرایی، مفهوم رگولاسیون (تنظیم‌گری حقوقی)، ابزار و سطوح و انواع رگولاسیون در نهاد خانواده (سیاست‌گذاری خانواده) در ایران و فرانسه مورد مطالعه قرار گیرد و سپس مصادیق رگولاسیون در نهاد خانواده در حقوق ایران و فرانسه در مراحل تشکیل، تداوم و انحلال نهاد خانواده تبیین گردد.

۱. نهاد خانواده؛ حوزه خصوصی - عمومی (نظریه دو وجهی)

پرسش مهمی که در خصوص تقسیم‌بندی خصوصی - عمومی به ذهن متبادر می‌گردد، حدود و ثغور رگولاسیون توسط دولت در نهاد خانواده و روابط خانوادگی است. آیا بر پایه معیار خصوصی - عمومی، خانواده و روابط خانوادگی، داخل در قلمرو خصوصی^۳ و بنابراین خارج از گستره رگولاسیون حداکثری (مداخلات جرم‌انگاری به‌عنوان شیوه حداکثری رگولاسیون) است یا آنکه خانواده نهادی عمومی و مشمول مداخلات دولتی و از آن جمله جرم‌انگاری است؟

به‌طور کلی، درباره ماهیت نهاد خانواده و عمومی یا خصوصی بودن آن، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. این نگرش‌ها در گذر زمان در حال تغییر و تحول بوده است.^۴ هانا آرنت قانون‌مند کردن خانواده را خطرناک و ویران‌گر دانسته است. اما فمینیست‌ها در این باره دیدگاه متفاوتی دارند؛ یکی از اعتراض‌های آنان به تقسیم‌بندی عمومی - خصوصی این است که تلقی خانواده، همچون قلمروی خصوصی، به فقدان نظارت دولت بر آن و گسترش خشونت خانوادگی و مسئولیت الزامی

۱. برای مطالعه تبیین دقیق مفهوم تنظیم‌گری حقوقی در حقوق ایران و فرانسه نک: یآوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۳، صص ۶۴۷-۶۲۹.

۲. مهرآرام، پرهام و بدیع فتحی، «سیاست‌گذاری خانواده با تأکید بر حقوق آلمان»، *فصلنامه قضاوت*، دوره ۱۵، شماره ۸۴، ۱۳۹۴، صص ۱۵۷-۱۲۷.

۳. Schmitt, Mélanie., *La protection de la vie privée et la famille*, AJ Famille, 2008, p.191.

۴. نوبهار، رحیم، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۳۰۲-۲۹۶.

زنان برای کار در خانواده می‌انجامد.^۱ برخی نیز با گزینش راهی میانه، خانواده را آمیزه‌ای از امر عمومی و خصوصی دانسته‌اند.^۲

به نظر می‌رسد در قلمرو روابط خانوادگی اموری یافت می‌شود که عمومی است و رگولاسیون دولت در آن، نه فقط دارای جواز، بلکه ضروری نیز می‌نماید.^۳ (اتخاذ رویکرد کارکردگرایانه)^۴

۲. اصل مشروعیت رگولاسیون دولت در نهاد خانواده

واژه مداخله ارتباط نزدیکی با واژه محافظت دارد؛ زیرا هدف از مداخله را محافظت از آنچه در آن مداخله می‌شود، بیان می‌کنند.^۵ از این رو، رگولاسیون در نهاد خانواده ناقض یک قاعده است و نیاز به توجیه دارد؛ البته باید توجه داشت، آنچه به توجیه آن پرداخته می‌شود، اصل رگولاسیون توسط دولت است.^۶ در تمامی انتقادات، اصل رگولاسیون به چالش کشیده می‌شود و برای حفظ آن، گریزی از توجیه ضرورت وجود آن نیست.^۷ درباره این که کدام نوع دولت قابل توجیه است، ادعا شده که تنها دولت حداقلی قابل توجیه است و دولت حداکثری را نمی‌توان توجیه کرد. البته حداقلی بودن یک دولت، به معنای پدید آمدن یک دولت به شیوه اخلاقی قابل قبول نیست.^۸

۳. ابزارها و سطوح رگولاسیون در نهاد خانواده

از نگاه تحلیل سیستمی، در خصوص مفهوم رگولاسیون، تا حد زیادی اتفاق نظر وجود دارد. در یک رویکرد عام، تنظیم یک حوزه یا فعالیت دارای دو مفهوم مضیق و موسع است: در مفهوم موسع، مبین به‌کارگیری سازوکارهای نظم‌دهنده و اصلاح‌کننده یک سیستم است و در مفهوم مضیق، عمل تعیین سیاست‌ها و مدیریت و اداره یک سیستم است. رگولاسیون دارای سه سطح گوناگون است: نخست، سطح عام رگولاسیون که به معنای تنظیم الزام‌آور رفتار اجتماعی است. در این معنا، رگولاسیون به هدایت و سامان‌دهی کلی زندگی اجتماعی با اتکا به اقتدار سیاسی است و در واقع، از آن برای اشاره به چپستی قانون و نظام حقوقی استفاده می‌کنند. دوم، سطح خاص رگولاسیون که به معنای نظام حقوقی

۱. همان.

۲. Laslett, B. "The Family as a Public and Private Institution: An Historical Perspective", *Journal of Marriage and Family*, Volume. 35, Issue 3, Special Section: New Social History of the Family, 1973, PP 480-492.

-Vie privée, Fiches d'orientation, Dalloz, Novembre 2019.

-Civ. 1re, 17 mars 2016, n° 15-14.072

-Civ. 1re, 31 oct. 2012, n° 11-17.476

-Cons. const. 23 juill. 1999, n° 99-416

۳. نوبهار، پیشین.

۴. اسدی، لیلا سادات و زهرا میرزازاده، «نسبت خانواده با دو حوزه عمومی و خصوصی؛ با رویکردی به کارکردهای خانواده و مفهوم حریم خصوصی»، *فصلنامه تعالی حقوق*، سال ۵، شماره ۴، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲.

۵. محمودی جانکی، فیروز و مهرانگیز روستایی، «توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۹۲، صص ۶۶-۳۵.

۶. Von Hirsch, Andrew. "Direct Paternalism: Criminalizing Self-Injurious Conduct", *Criminal Justice Ethics*, Volume 21, Issue 1, 2008, P 25.

۷. محمودی جانکی و روستایی، پیشین.

۸. همان.

ناظر بر جامعه است. در این معنا، هم به نظام حقوقی تنظیم جامعه اطلاق می‌شود و هم به مداخله از طریق تقنین در جامعه (بازار و خانواده). در سنت فرانسوی، از این نوع رگولاسیون برای تنظیم اقتصاد با هدف سامان‌دهی و تعیین مرزهای پذیرفتنی، برای مداخله از پیش موجود دولت در سازوکار آزاد اقتصادی استفاده می‌شود که بیشتر دغدغه کاهش مداخله‌های بی‌اساس در بازار را دارد، تا توجیه چنین مداخله‌هایی. به هر حال، در قلمرو معنای خاص رگولاسیون، دولت مکمل بازار است، نه جانشین آن که از این ملاک برای توجیه رگولاسیون در نهاد خانواده نیز تا حدود زیادی می‌توان بهره برد. اما مداخله دولت در جامعه به دو طریق حقوقی و فراحقوقی متصور است. رگولاسیون حقوقی طیف گسترده‌ای از اعمال و مقررات حقوقی نظیر قانون، اساسنامه نهادها، عمومی، تدابیر فردی مقام‌های عمومی، مذاکرات، اعمال اجرایی و اسناد چشم‌انداز را دربر می‌گیرد. سوم، سطح اخص رگولاسیون که بنابر دیدگاه برخی از حقوق‌دانان^۱ به معنای تنظیم جامعه با ابزار مقرر است. با توجه به سطوح معنایی رگولاسیون، ابزارهایی که دولت‌ها برای رگولاسیون به کار می‌گیرند نیز یکسان نیست. منظور از ابزارهای دولت در رگولاسیون تدابیری است که دولت برای اجرای سیاست‌های تنظیمی و مداخله در جامعه در اختیار دارد. برای نمونه، قدیمی‌ترین ابزاری که دولت برای رگولاسیون مورد استفاده قرار می‌دهد، ابزارهای دستورمحور است.

امروزه در کنار شیوه‌ها، ابزارها و نهادهای کلاسیک رگولاسیون توسط دولت در اداره امور عمومی از طریق قانون‌گذاری، اجرا و امر قضا، اشکال و ابزار دیگری نیز پیش‌بینی شده است.

قابل ذکر آن که انتخاب معادل فارسی «مقررات‌گذاری» در آثار برخی نویسندگان، ناشی از ترجمه تحت‌اللفظی آن در انگلیسی بوده که بر اساس معنای عام Régulation انتخاب شده است. این در حالی است که در زبان فرانسه، برای مقررات گذاری کلمه مستقل "Réglementation" به کار می‌رود.^۲

در ایران نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۱، اقدام به تصویب «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» و «تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده» به عنوان راهبردی کلان اشاره و بر «ترویج الگوی خانواده طراز جمهوری اسلامی» تصریح می‌کند. ذیل این راهبرد بر تبیین «هویت قدسی نظام خانواده و نقش آن در کمال‌آفرینی و تسهیل ازدواج به هنگام و مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و سنت‌های ملی» تأکید می‌شود.^۳ قابل ذکر آنکه اقدامات این شورا در حوزه خانواده نظیر اقدامات شورای رقابت در اقتصاد، یکی از مصادیق رگولاسیون به معنای اخص است.

۴. سیاست‌گذاری خانواده؛ به‌عنوان مصداقی از سیاست‌گذاری اجتماعی

سیاست‌گذاری خانواده مولود رگولاسیون خانواده توسط دولت و در واقع، گونه‌ای از سیاست‌گذاری اجتماعی است یا حداقل با آن هم‌پوشانی بسیار دارد. بر این اساس، می‌توان سیاست‌گذاری اجتماعی را شکلی از مداخله دولت دانست که

۱. راسخ، محمد و سید مجتبی حسینی، «مفهوم رگولاسیون در قلمرو حقوق»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، سال ۲۲، شماره ۸، ۱۳۹۴، صص ۳۹-۲۳.

- برای دیدن دیدگاه متفاوت نک: یآوری، پیشین.

۲. یآوری، پیشین.

- چهار شاخص اصلی دولت فراتنظیمی در نهاد خانواده: ۱-تنوع هنجاری؛ ۲-تنوع مکانیزم‌های کنترلی؛ ۳-تنوع کنترل‌کننده‌ها؛ ۴-تنوع تنظیم‌شونده‌ها.

۳. منوری، نوح، «تقلیل سیاست‌گذاری به الگودهی: نقدی بر سیاست‌های مربوط به خانواده در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی (علمی- پژوهشی) تغییرات خانواده و چالش‌های آن در ایران، شیراز: ارم، ۱۳۹۴، صص ۱۷۸-۱۷۷.

در اهداف اجتماعی، مانند عدالت اجتماعی، حمایت از مردم آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی مدیرانه زندگی، تجلی می‌یابد.^۱ در این راستا، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است که به اختصار بیان می‌شوند:^۲

نخست؛ نظریه‌های بازنمایی^۳. در واقع، این نظریه‌ها درصدد گونه‌شناسی و الگوبندی نظام‌های رفاهی‌اند، از جمله: ۱- الگوی پسماندی^۴ که در آن، تأمین رفاه اجتماعی بر عهده خانواده، خیریه‌ها و بازار است و دولت، تنها زمانی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی مداخله می‌کند که خدمات بخش غیردولتی برای پوشش دادن گروه‌های فقیر ناکافی است. ۲- الگوی نهادی^۵ که در آن، دولت با تأسیس نهادها و سازمان‌های رفاهی در راستای کاهش پیامدهای منفی اقتصاد آزاد در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی مداخله می‌کند. ۳- الگوی لیبرال که در آن، ارائه خدمات رفاهی در درجه نخست بر عهده بازار و سپس مؤسسات خیریه و خانواده‌هاست و نقش دولت، محدود به نظارت بر عملکرد بازار است و جمعیت فقیر را هدف قرار می‌دهد و بر ارائه خدمات محدود مبتنی است. ۴- الگوی صنفی‌گرا^۶ که در آن بر اشتغال و مشارکت افراد در تأمین مالی سیاست‌های رفاهی تأکید می‌شود و به لحاظ نظری بر اصل همبستگی یا مسئولیت متقابل تأکید می‌کند. در این الگو، بر حفظ خانواده هسته‌ای تأکید می‌شود. بر این اساس، ارائه مزایا براساس منزلت و انسجام اجتماعی و حمایت از خانواده است و مداخله دولت زمانی است که خانواده‌ها قادر به اداره امور خود نباشند. ۵- الگوی سوسیال-دموکرات^۷ که در آن، برنامه‌های رفاهی به صورت عمومی و فراگیر اجرا می‌شوند و بر مقوله شهروندی و حقوق اجتماعی با هدف مساوات‌طلبی تأکید می‌شود. ۶- الگوی مبتدی^۸ که در آن، خدمات و حمایت‌های اجتماعی به عنوان حق شهروندی نهادینه شده است، اما مداخله دولت در زمینه ارائه خدمات رفاهی محدود است.^۹

دوم، نظریه‌های تبیینی یا تحلیلی که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته کلی صنعتی شدن، رویکرد منابع قدرت، رویکرد نهادگرایی تاریخی و چشم‌انداز فرهنگی و اندیشه‌ای جای داد.^{۱۰}

سوم، نظریه‌های هنجاری که نشان‌دهنده رابطه سیاست‌گذاری اجتماعی با ایدئولوژی‌های سیاسی است و می‌توان آن‌ها را به چهار گروه لیبرالیسم (کلاسیک و اجتماعی)، محافظه‌کاری، سوسیالیسم و سوسیال-دموکراسی دسته‌بندی کرد.^{۱۱} اما یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تقسیم سیاست‌گذاری خانواده، براساس اثری است که سیاست‌ها، بر مسئولیت‌های اعضای

۱. وصالی، سعید و رضا امید، «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۹، شماره ۱، ۱۳۹۳، صص ۲۰۶-۱۷۹؛

برای مطالعه بیشتر نک:

- Jordan, B. *What's wrong with social policy and how to fix it*, Cambridge: Polity, 2010, P 13;
- Beland, D. *What is social policy? Understanding the welfare state*, Cambridge: Polity, 2010, P 83;

۲. وصالی و امید، پیشین.

۳. Representational Theory

۴. Residual

۵. Institutional

۶. Corporatist

۷. Social Democratic

۸. Rudimentary Model

۹. Frédérique, F. "Droit de la famille et obligations alimentaires- Aperçu comparatif", *Revue internationale de droit comparé*, Vol. 65, N°3, 2013, PP 637- 680; doi: <https://doi.org/10.3406/ridc.2013.20264>;

-Korpi, W. Palme, J. "The paradox of redistribution and strategies of equality: Welfare state institutions", *Inequality and poverty in the western countries: American Sociological Review*, 63 (5), 1998, PP 661- 688.

۱۰. Beland, op.cit.

۱۱. سیاست‌گذاری خانواده در نظام‌های لیبرال، بیشتر به منظور فقرزدایی است و مداخله در آن، به صورت حداقلی است؛ در حالی که نظام محافظه‌کار بر شکل سنتی خانواده تأکید دارد و نظام سوسیال-دموکرات نیز تأکید بیشتری بر نقش پررنگ دولت، برابری جنسیتی، افزایش نرخ اشتغال زنان، سعادت کودکان و آشتی دادن کار و خانواده دارد.

خانواده در قبال یکدیگر می‌گذارند: ۱- خانواده‌گرایی به صورت غیررسمی: ۱ زمانی است که حمایت‌ها حداقلی است یا اساساً وجود ندارد. ۲- خانواده‌گرایی حمایت شده: ۲ هنگامی است که سیاست‌ها غالباً از طریق حمایت‌های مالی (مانند مرخصی‌های با حقوق یا معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی)، به اعضای خانواده در ایفای مسئولیت‌های خود کمک می‌کنند. ۳- خانواده‌زدایی: ۳ هنگامی که سیاست‌ها از مسئولیت‌های اعضای خانواده و وابستگی‌های آن‌ها به یکدیگر می‌کاهند و بخشی از آن را به حوزه عمومی واگذار می‌کنند. ۴ هر کدام از این سیاست‌ها اثرهای خود را بر جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی دارند. (سیاست‌های افزایش جمعیت و محافظت از زنان در فرانسه). در الگوی ایرانی نیز یکی از اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، «برخورداری جامعه ایرانی از نهاد مستحکم خانواده» است (۱۳۸۴-۱۴۰۴). در همین راستا، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (سیاست‌های خانواده، سیاست‌های کلان برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سیاست‌های جمعیت)، همچنین سند «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و «منشور حقوق و مسوولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»، از جمله اسناد مهمی است که در آن نهاد خانواده مورد توجه قرار گرفته است.^۵

۵. مصادیق رگولاسیون در نهاد خانواده در ایران و فرانسه

در این قسمت به تبیین برخی مصادیق مهم رگولاسیون دولت در نهاد خانواده از زمان تشکیل تا تداوم و انحلال آن در حقوق ایران و فرانسه پرداخته خواهد شد.

۵.۱. تشکیل نهاد خانواده

در مواد ۱۰۳۴ تا ۱۲۰۶ قانون مدنی به موضوع خانواده پرداخته، اما در هیچ یک از مواد مطروحه خانواده را تعریف نکرده است.^۶ یکی از مهم‌ترین سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، محدودسازی روابط جنسی افراد جامعه به روابط مشروع در چهارچوب ازدواج است^۷؛ به طوری که در قوانین و مقررات بسیاری به آن اشاره شده است.^۸ به طور کلی، نحوه مواجهه دولت‌ها با پدیده همسان‌گرایی در طیفی از برخوردها (از حمایت تا جرم‌انگاری) قرار دارد: ۱- کشورهایی نظیر فرانسه،

^۱. familialism de facto.

^۲. supported familialism.

^۳. defamilization.

^۴. Saraceno, C. "Family Policies, Concepts, Goals and Instrument", *Collegio Carlo Alberto*, 230, 2011, PP 2-7.

^۵. حاجیان مقدم، فاطمه، رضا صالحی امیری و غلامرضا غفاری، «طراحی الگوی خانواده مستحکم» موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۳۹۶، صص ۷۰-۴۲.

^۶. مهدوی زاهد، مهدی، *جامعه‌شناسی حقوق عمومی، مورد کاوی تأثیر و تأثر تحولات خانواده و نظریه دولت در ایران معاصر*، تهران: نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۹۷.

^۷. موسوی ویاپه، فاطمه، مهران سهرابزاده، محسن نیازی، «بررسی مختصات سیاست خانواده در ایران بر اساس تحلیل مضمون اسناد بالادستی»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۹۹، صص ۲۴۱-۲۲۳.

- عزیزی، مینا و سید حسن حسینی، «تحلیل ظرفیت‌های سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۳۹۶، صص ۱۰۳.

^۸. برای مطالعه مقررات تشکیل خانواده در فرانسه نگاه کنید به: «مقررات قانون مدنی فرانسه در باب پنجم (ازدواج)»، نگاه کنید به مواد ۱۴۳ تا ۲۲۸ قانون مدنی فرانسه؛

- برای مطالعه حقوق و تکالیف مالی زوج در اشکال قانونی موجد زندگی زناشویی در حقوق ایران و فرانسه، نک: شاهرادی زواره، مهرانگیز، *الگوهای حقوقی مدیریت خانواده در حقوق ایران و فرانسه*، تهران: میزان، ۱۳۹۷، صص ۱۲۳-۷۶.

ازدواج همسان‌گرایان را شناسایی و حقوقی برابر با زوج‌های دگرجنس‌گرا برای آن‌ها قائل شده‌اند.^۱ ۲- نسبت به شناسایی پیمان مدنی زندگی مشترک و روابط زناشویی بدون ازدواج هم‌سان‌گرایان، اقدام و حق‌ها و تکالیف مشخصی را در هنگام جدایی ایشان وضع کرده‌اند. ۳- در صورت جرم‌انگاری همسان‌گرایی در قوانین پیشین، از آن جرم‌زدایی کرده و اینک نظام حقوقی نسبت به این پدیده، فاقد هرگونه هنجاری اعم از ایجابی مانند به رسمیت شناختن ازدواج و سلبی نظیر جرم‌انگاری و کیفردهی است. ۴- در کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران، هرگونه رفتار هم‌جنس‌گرایانه، جرم‌انگاری شده و متناسب با آن، کیفر تعیین شده است.^۲ می‌توان گفت که ازدواج بین همسان‌گرایان که با هدف رفع هرگونه تبعیض بر پایه گرایش جنسی انجام می‌شود، به منازعه‌ای فراتر از حوزه خصوصی بین دو شخص، به موضوعی در حوزه عمومی مبدل و به دلیل تضاد و تعارض دیدگاه‌های مختلف در این خصوص، به امری سیاسی تبدیل شده است.

۵.۲. استحکام نهاد خانواده

اعمال سیاست‌های تحکیم نهاد خانواده در فرانسه، در چهار گروه اصلی: اعطای کمک‌های مالی، سیستم اعطای مرخصی، حمایت‌های مراقبتی و آموزشی و مراقبت‌های سلامتی خانواده دسته‌بندی می‌گردند.

۵.۲.۱. رگولاسیون در حوزه سیاست‌های افزایش و کاهش جمعیتی

کاهش نرخ رشد جمعیت یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران بوده و در راستای این امر، کشورهای مختلف اقدام به تأسیس نهادهای سیاست‌گذار کرده یا برنامه‌های تشویقی جهت افزایش زادوولد یا منع سقط جنین در نظر گرفته‌اند.^۳ در مسئله سقط جنین، کشورهای مختلف، رویه‌ها و سیاست‌های مختلفی را اتخاذ کرده‌اند. انواع سیاست‌های سقط جنین، شامل سیاست مجاز، منع (این سیاست به دولت اجازه می‌دهد تا کنترل انحصارگرایانه هم بر اراده و خواست افراد و هم بر اجرای آن داشته باشد)، محدود و سیاست دوگانه (سیاست دوگانه وقتی است که دولت انتخاب شخصی را محدود کرده اما در اجرای آن مشارکت می‌کند) است. مسئله سقط جنین موافقان و مخالفان بسیاری دارد.^۴

در ایران «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» (مصوب ۱۴۰۰)، متضمن برخی تدابیر کیفری بوده و تلاش کرده در کنار استفاده از تدابیر تشویقی از طریق سازوکارهای کیفری، افزایش جمعیت کشور را محقق کند.^۵ به رغم هدف

۱. مهدوی زاهد، پیشین، صص ۱۱۰-۱۰۶.

۲. مواد ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۳. مقدسی، محمد باقر و مهرانگیز روستایی، «افزایش جمعیت از رهگذر مداخلات کیفری؛ نگاهی به فرآیند تصویب و چالش‌های اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، صص ۲۸۵-۳۱۲.

۴. ابراهیمیان، منیره، «آزادی سقط جنین در ایران، ایرلند و کانادا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶، صص ۳۳-۱.

۵. میلانی، علیرضا و راضیه شفیعی، «بررسی سقط جنین در حمایت از نفس مادر»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۹، صص ۲۷۸-۲۷۰.

۶. به رغم الزام قانونی پیش‌بینی شده در اسناد بالادستی مانند بند ۱۴ سیاست‌های کلی قضایی (۱۳۸۲)، ماده ۱۳۰ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۸۹)، بند ج ماده ۱۱۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۳۹۶) و بند الف ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶) که همگی با ادبیات مشابه، بر ضرورت کاهش عناوین مجرمانه تأکید کرده‌اند، پیشنه‌دهندگان و تصویب‌کنندگان قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نه تنها در این جهت حرکت نکرده‌اند، بلکه چندین عنوان مجرمانه جدید به مجموعه عناوین کیفری افزوده‌اند. جرانگاری در مواد ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۰، تبصره ۲ ماده ۶۱، ۷۱ و تبصره ۱ ماده ۷۱ این قانون ملاحظه شود.

مطلوب قانون‌گذار در تدوین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نگاهی به مواد مختلف این قانون نشان می‌دهد که دغدغه‌های متخصصان برخی از حوزه‌ها مغفول مانده است (نگرانی در زمینه افزایش آمار تولد نوزادان غیرسالم و افزایش آمار بیماری‌های آمیزشی مانند ایدز، در اثر تغییر در ضوابط غربالگری و ارایه وسایل پیشگیری از بارداری). حذف دسترسی رایگان به وسایل کنترل بارداری در خانه‌های بهداشت روستایی و تشویق به افزایش جمعیت با حمایت‌های مالی وعده داده شده، هرچند اندک، می‌تواند موجب افزایش جمعیت غیربرخوردار در این مناطق شود و در نتیجه بر جمعیت مستمند بیفزاید و در عمل، توزیع جمعیتی را از وضع کنونی غیرموزون‌تر کند. سیاست‌های تنبیهی این قانون سه دسته رفتار را برمی‌گیرد: ۱- اعمالی که ارتباطی به سقط جنین نداشته و فقط می‌تواند مانعی برای فرزندآوری باشد (ملاحظه مواد ۵۱ و ۵۲). ۲- سقط جنین بدون وجود هیچ‌گونه توجیه پزشکی یا ضرورت اجتناب‌ناپذیر که قانون‌گذار در آن، اقدام به تشدید مجازات و وضع جرایم جدید مرتبط با آن کرده است (ماده ۵۶). ۳- اقداماتی که می‌تواند سقط جنین را به‌عنوان پیامد احتمالی خود به همراه داشته باشد، اما هدف اصلی و نخستین از انجام آن‌ها سقط جنین نیست، بلکه بررسی وضعیت سلامتی جنین است؛ مانند غربالگری‌های دوران بارداری که در قانون مذکور محدودیت‌هایی را مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق حذف حمایت‌های بیمه‌ای بر آن بار کرده است (ماده ۵۳).^۱ از سوی دیگر، به موجب این قانون، مشروط کردن حق اشتغال بر «ازدواج» و «فرزندآوری» و نادیده گرفتن تخصص‌گرایی، علاوه بر تنافی با عدالت جنسیتی و شایسته‌سالاری، تبعیض‌های ناروایی را در قوانین استخدامی ایجاد می‌کند.^۲

۵.۲.۲. رگولاسیون در حوزه قرارداد رحم جایگزین

نظام‌های حقوقی دنیا در زمینه رحم جایگزین به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف: برخورداری از قوانین خاص در این زمینه: ۱- کشورهای دارای جواز قانونی: نظارت قضایی پیشینی با کسب مجوز از دادگاه نظارت پیشینی با نظارت وکیل دادگستری، مدیریت حقوق پیشینی (به‌صورت ارائه مشاوره ضمن مراحل اداری است و نه در قالب تکلیف قانونی نظارت و تأیید)، مداخله قضایی پسینی (ضرورت وجود حکم دادگاه و مداخله قضایی برای انتقال نسب به زوج متقاضی) و روش تلفیقی (مداخله حقوقی- اداری پیشینی و مداخله قضایی پسینی)؛ ۲- کشورهای دارای ممنوعیت قانونی: دسته نخست، صرفاً ممنوعیت قرارداد و بدون مجازات؛ دسته دوم ممنوعیت قرارداد به همراه مجازات و ضمانت اجرای کیفری (مانند فرانسه^۳ که مجازات کیفری طرف‌های قرارداد مانند مادر حامل، زوج یا فرد متقاضی رحم جایگزین و واسطه‌ها را نیز شامل می‌شود).

ب: عدم برخورداری از متن قانونی خاص در این خصوص: ۱- وجود دستورالعمل‌های کلینیک‌های درمانی و انجمن‌های حرفه‌ای؛ ۲- وجود تصویب‌نامه‌های دولتی/وزارتی برای رحم جایگزین؛ ۳- به رسمیت شناختن یا ممنوعیت قراردادهای

^۱ مقدسی و روستایی، پیشین.

^۲ مهدوی زاهد، پیشین، صص ۷۹-۷۲.

- یکی از مصادیق رگولاسیون حداکثری در حوزه حریم خصوصی نهاد خانواده، بخشنامه وزارت علوم در رابطه با فرزندآوری و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد جذب اعضای هیئت علمی است. تاریخ انتشار مطلب در سایت: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، تاریخ استفاده از سایت: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲:

<https://www.entekhab.ir/fa/news/723806/%D8%A8%>

^۳ ماده ۱۲-۲۲۷ قانون جزای فرانسه و ۱۳-۲۲۷ قانون جزای فرانسه؛

- Cass. civ. 1re, 13 déc. 1989, n.88-15.655; Ass. plén, 31 mai 1991, n.90-20.105;

رحم جایگزین از طریق رویه قضایی (ایران برای تجویز این قرارداد).^۱

۵.۲.۳. رگولاسیون در حوزه خشونت‌های خانگی

۵.۲.۳.۱. کودک‌همسری و ازدواج اجباری

در فقه اسلامی، دربارهٔ اختیار ولی قهری در تزویج خردسالان نابالغ، نظریه‌های متعددی وجود دارد. نظام قانون‌گذاری ایران به پیروی از رویکرد غالب فقهی، تزویج کودکان و استمتاع از کودک همسران را به صورت مشروط و محدود (البته با اذن دادگاه) روا می‌شمارد. امروزه یکی از مسایل چالش‌برانگیز، مسئلهٔ کودک‌همسری است که یکی از جهات اختلاف آن سن کودکی است. جهت دیگر اختلاف، جواز یا منع تزویج کودکان است. نظام تقنینی ایران از آغاز تاکنون، سیاست‌های متفاوتی را نسبت به کودک همسری تجربه کرده است (ملاحظه تغییر مکرر متن ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی).^۲

ازدواج اجباری^۳ حق آزادی انتخاب همسر را نقض می‌کند و از مصادیق خشونت خانگی است.^۴ به نظر می‌رسد که مداخلهٔ قانون‌گذار و افزایش حداقل سن ازدواج به ۱۸ سال (فارغ از جنسیت فرد) و جرم‌انگاری ازدواج‌هایی که کمتر از این سن منعقد می‌شوند، می‌تواند اثر بازدارنده داشته و منافع این گروه آسیب‌پذیر را تأمین کند. در فرانسه ازدواج اجباری یکی از علل مشددهٔ جرم است. براساس «قانون خشونت علیه زنان»^۵ فرانسه، مجازات جرایم خشونت، شکنجه، اقدامات وحشیانه و قتل در زمانی که مرتکب این اقدامات را به منظور اجبار فردی به ازدواج یا ممانعت وی از ازدواج انجام داده باشد، تشدید می‌شود^۶ (همچنین ملاحظه مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مدنی فرانسه در خصوص سن ازدواج).^۷

۵.۲.۳.۲. خشونت خانگی علیه کودکان

سیاست‌های تنظیمی توسط مراجع رسمی، نقشی انکارناپذیر بر کودک‌آزاری دارد. به این ترتیب، تحت‌تأثیر شیوه و عملکرد دولت، اشکال وقوع، قربانیان بالقوه، میزان ارتکاب و شدت آسیب وارده در این نابه‌هنجاری اجتماعی تغییر پیدا می‌کند؛^۸ به‌ویژه در دوران شیوع بیماری کووید ۱۹، خشونت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر بیش از گذشته شده است.^۹

۱. محسنی، الهه، «بررسی رحم جایگزین در حقوق تطبیقی؛ با تأکید بر حقوق فرانسه، ایران، انگلیس و یونان»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال ۱۳، شماره ۴۸، ۱۳۹۸، صص ۱۳۶-۱۱۳.

۲. هدایت‌نیا، فرج‌الله، «تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟»، *فصلنامه دین و قانون*، دوره ۷، شماره ۲۶، ۱۳۹۸، صص ۳۵-۱۱.

۳. Forced Marriage.

۴. نک: ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی و ماده ۳۴ لایحهٔ پیش‌گیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار، مصوب ۱۴۰۱.

- ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۹۶)، ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۱۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و سایر اسناد بین‌المللی بر حق آزادی ازدواج تأکید کرده‌اند.

۵. Violence Against Women Act (2010).

۶. مقدسی، محمد باقر و زهرا عامری، «ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت‌انگاری تا جرم‌انگاری»، *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۱۳، شماره ۱۲، ۱۳۹۵، صص ۱۹۸-۱۶۹.

۷. شاهمرادی، پیشین، صص ۲۶۳-۲۵۷.

۸. صفاری، علی و امیر ابروآنیان، «نقش سیاست‌گذاری‌های دولتی بر تشدید روند کودک‌آزاری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۲، شماره ۴۹، ۱۳۸۸، صص ۲۸۰-۳۳۹.

۹. عبداللهی، محمدجواد و سپیده همت، «تأثیر کرونا و قرنطینه بر افزایش کودک‌آزاری و راهکارهای حقوقی مقابله با آن»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، شماره ۲۱، ۱۳۹۹، صص ۴۳-۵۰.

در این راستا، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ را می‌توان به عنوان قانونی خاص، در راستای حمایت از کودکان در نظر گرفت.^۱ فرزندآزاری و به‌ویژه خشونت علیه فرزند دختر، به بهانه مسائل ناموسی که ریشه در دیدگاه پدرسالاری دارد و معافیت پدر از تحمل کیفر کامل در قبال ضرب و جرح فرزند و حتی کشتن او یا ازدواج تحمیلی و اجباری برای فرزند دختر، نمونه‌ای از این خشونت‌هاست.^۲

در فرانسه، به استناد ماده ۳۷۸ قانون مدنی اقتدار ابویینی ممکن است به واسطه حکم صریح کیفری، از پدر و مادر (یا دیگر اولیا) با تحقق موارد مذکور در ماده به‌طور کامل از ایشان سلب شود.^۳

۵.۲.۳.۳. خشونت خانگی علیه زنان

قانون‌گذار ایران در سال ۱۴۰۱، اقدام به تصویب لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار کرد. قانون‌گذار در ماده ۱، زنان را در برابر هرگونه آسیب ناشی از سوءرفتار فرد دیگری که به بدن، روان، حیثیت، حقوق و آزادی‌های قانونی آنان وارد شود، از تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری این قانون برخوردار می‌سازد. تدابیر حمایتی در این قانون، (اقداماتی نظیر شناسایی زنان و دختران آسیب دیده یا در معرض آسیب، اسکان و سرپرستی زنان و دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست، مددکاری، درمان و روان‌درمان‌گری، توانمندسازی، حمایت اقتصادی، حمایت قضایی و کیفری، مداخله فوری مددکاری و قضایی) است.

به موجب قانون مدنی فرانسه، هرگاه خشونت‌های اعمال شده میان زوجین یا توسط همسر سابق، شریک سابق پیمان مدنی مشارکت یا همسر غیررسمی سابق باعث ایجاد خطر شود، قاضی امور خانواده می‌تواند به طور فوری قرار حمایت از این قربانیان را صادر کند (استناد به مواد ۹-۵۱۵ تا ۱۳-۵۱۵).

از جمله خشونت‌ها علیه زنان، رابطه جنسی با همسر قانونی، بدون رضایت او (تجاوز جنسی زناشویی)^۴ است. در برخی از کشورها مانند فرانسه، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ شده است.^۵ حقوق ایران اصولاً رفتارهای جنسی اکراهی زوج علیه

۱. ماده ۳ و ۳۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

۲. سیفی، آناهیتا، «کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده*، دوره ۸، شماره ۲، ۱۳۹۹، صص ۱۸۹-۱۴۹.

- صادق‌پور، محمد جعفر، حسن‌علی مؤذن‌زادگان و یوسف فاطمی‌نیا، «تأملی در کیفر تکرار جرم فرزندکشی و اعتیاد به آن با تکیه بر ظرفیت‌های فقه امامیه»، *فصلنامه کاوشی نو در فقه*، سال ۲۴، شماره ۲، ۱۳۹۶، صص ۱۷۴-۱۵۳.

۳. شاهمرادی، پیشین، صص ۲۲۲-۲۱۲.

- محسنی، الهه، «روش‌های حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست در حقوق ایران»، *فصلنامه حقوق کودک*، جلد ۲، شماره ۶، ۱۳۹۹، صص ۱۸۳-۱۴۷.

- تقی‌زاده زانوقی، مرتضی، «نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان»، *فصلنامه فقه و حقوق نوین*، سال ۱، شماره ۳، ۱۳۹۹، صص ۳۲۱-۲۹۵.

4. Marital rape

۵. در قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه، تجاوز زناشویی جرم‌انگاری نشده بود. با این حال در سال ۱۹۹۱، شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه، برای نخستین بار، قابل مجازات بودن تجاوز زناشویی را به رسمیت شناخت. تمایل قضات فرانسوی به تبعیت از این رویه قضایی، قانون‌گذار را وادار کرد تا در سال ۲۰۰۶، با افزودن ماده‌ای به قانون مجازات، رسماً مفهوم تجاوز در بستر ازدواج را به حقوق فرانسه وارد کند. (ماده ۲۲-۲۲۲ قانون مجازات فرانسه).

همچنین به موجب بند ۱۱ ماده ۲۲۲-۲۴ این قانون، ارتکاب تجاوز از سوی همسر رسمی یا غیررسمی یا شریک زندگی (بر اساس پیمان مدنی همبستگی) یکی از کیفیات مشدده مجازات جرم تجاوز است.

زوجه را به طور مستقل جرم‌انگاری نکرده، اما به‌صراحت هم آن را تجویز نمی‌کند.^۱ به بیان دیگر، عدم جرم‌انگاری تجاوز زناشویی به‌عنوان یک جرم مستقل در حقوق ایران، به معنای اذن به شوهر برای خشونت جنسی علیه همسر و تجاوز به وی نیست.^۲

مورد دیگر که قانون‌گذار با جواز خود بر انجام عمل مجرمانه محیط امن خانه را به مکانی برای کینه و خشونت‌ورزی مبدل کرده است، مواد ۶۳۰ تعزیرات و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی (با عنوان جواز قتل در فراش) که از مصادیق بارز خشونت خانگی علیه زنان به شمار می‌آید.^۳

با توجه به موارد مزبور، حقوق زنان نیاز به یک تبعیض مثبت برای حمایت از این حوزه دارد که البته در اسناد بین‌المللی متعددی مانند ماده ۴ معاهده امحای همه اشکال تبعیض نسبت به زنان، معاهده اروپایی حقوق بشر و... می‌توان یافت.^۴ (ملاحظه برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه در حقوق ایران).^۵

۵.۳. انحلال نهاد خانواده

یکی از شیوه‌های انحلال نهاد خانواده طلاق توافقی است. اما آیا این حوزه در دایره زندگی شخصی و خصوصی افراد بوده و اشخاص، فارغ از فشارهای اجتماعی و هنجارهای ثابت، از آزادی اندیشه و ابتکار عمل فردی برخوردارند یا از موضوعات مرتبط با حوزه عمومی (که فرد در آن تابع هنجارها، قواعد و مقررات از پیش تعیین شده و الزام‌آور برای حفظ نظم اجتماعی و منافع عمومی) است؟ دولت با حساسیت ویژه‌ای در جهت پیش‌گیری از طلاق‌های خودسرانه و نابه‌جا، اقدام به تنظیم و تدوین قوانین خود می‌کند و این موضوع را به توافق صرف زوجین واگذار نمی‌کند. با چنین رویکردی، انحلال خانواده، همچون فسخ یک قرارداد خصوصی یا اقاله آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد و وارد حوزه قانون‌گذاری عمومی می‌شود.^۶ از این‌رو، سیاست اعلام‌شده در قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی، استواری روابط همسری و پیشگیری از

۱. جرم‌انگاری افضای همسر نابالغ در اثر مقاربت در ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و جرم‌انگاری واقعه منتهی به فوت، نقص عضو یا مرض دائم با همسر زیر ۱۳ سال در ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱.

۲. نعمتی، زهرا، محمد فرجی‌ها، رحیم نوبهار و جلیل امیدی، «الگوهای مداخله کیفری تقنینی در قلمرو تجاوز زناشویی؛ مطالعه تطبیقی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۵، شماره ۱، ۱۴۰۰، صص ۱۴۱-۱۱۳.

۳. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش عمومی)، (سیاسی-اداری-حقوق شهروندی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹، صص ۱۲۲ و ۱۲۴؛ صادق‌یان لمراسکی، محدثه، کیومرث کلانتری و ایرج گلدوزیان، «قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصادیق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال ۹، شماره ۴، ۱۳۹۸، صص ۱۷۶-۱۵۹.

۴. ویژه، محمدرضا، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی «دوره پیشرفته حقوق عمومی (۱)»، تهران: جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۶، صص ۳۷۰.

۵. زارعان، منصوره، معصومه زارعی و عطیه هنردوست، «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۳۳۸-۳۱۹.

۶. درگاهی، حسن، مجتبی قاسمی و امین بیرانوند، «عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، جلد ۹، شماره ۴، ۱۳۹۷، صص ۱۲۰-۹۵.

- بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیتکی، «طلاق توافقی؛ حوزه خصوصی یا قلمرو عمومی؟»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۴، شماره ۱۶ (ویژه نامه)، ۱۳۸۷، صص ۵۸۴-۵۶۵.

- برای مطالعه ماهیت طلاق توافقی در حقوق ایران، نک:

خوئینی، غفور، مریم غنی‌زاده بافقی و شیرین دشتیان روزبهنی، «تحلیل حقوقی ماهیت توافقات در ضمن طلاق توافقی»، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۷، شماره ۷۶، ۱۴۰۱، صص ۱۴۳-۱۱۹ و صص ۱۴۱-۱۳۹.

طلاق است؛ با وجود این، سیر تحولات قوانین و مقررات طلاق در جهت تسهیل طلاق است.^۱ قانون مدنی فرانسه نیز در ماده ۲۲۹ طلاق توافقی را به رسمیت شناخته است.^۲

نتیجه گیری

امروزه دیگر تردیدی در اصل مداخله دولت در نهاد خانواده وجود ندارد. اما اختلاف دیدگاه‌ها به میزان و حدود و ثغور رگولاسیون به معنای خاص بازمی‌گردد. رابطه میان دولت و خانواده از جنس ریاست مطلق دولت یا تنظیم محدود و اتفاقی نیست، بلکه از نوع تعامل فعال، مستمر و گسترده است. هدف از رگولاسیون خانواده که مستلزم مداخله دولت به روش‌های گوناگون، به ویژه از رهگذر تقنین و سیاست گذاری است، تحکیم نهاد خانواده است. به این ترتیب، برای آنکه رگولاسیون در نهاد خانواده بتواند موفق و کارآمد عمل کند و اهداف موردنظر تحقق یابد، باید نه فقط سطوح معنایی رگولاسیون را مشخص کند تا ابزارهای متناسب با هر سطح را انتخاب کند، بلکه مناسب است که حوزه و هدف رگولاسیون را نیز به خوبی مشخص کند و نسبت به آن شناخت دقیق حاصل کند. بی‌گمان، رگولاسیون امری چن معنا و لایه لایه است که در حوزه‌های گوناگون معانی مختلفی به خود می‌گیرد؛ از این رو، نیازمند ابزارهای متفاوتی است. دربارهٔ دامنهٔ سیاست گذاری خانواده (و این که آیا تمامی مسایل مربوط به خانواده را در بر می‌گیرد یا آنکه موضوع آن خاص تر است) تردید وجود دارد.

سیاست گذاری خانواده را به صورت گوناگون دسته‌بندی کرده‌اند: سیاست گذاری آشکار مستقیماً به اهداف مشخصی در خصوص افراد خانواده یا کلّ نهاد خانواده می‌پردازد (نظیر فرانسه و بلژیک). سیاست گذاری ضمنی (غیرصریح) شامل سیاست گذاری‌ها در ابعاد مختلف و به منظور اهداف بعضاً نامرتب با خانواده است که بر کودکان و کودکان اثر می‌گذارد (کشورهای انگلیسی زبان). در مواردی که سیاست گذاری آشکار و مستقیم وجود دارد، ابزارهای مورد استفاده (نظیر معافیت‌های مالیاتی، سیاست‌های مرتبط با مسکن، مراکز مشاوره خانواده و کودکان، پرداخت‌های مالی و مراقبت از کودکان، سیاست‌های اشتغال و مسایل مرتبط با بهداشت) است. سیاست خاص غیرمستقیم نیز (نظیر تصمیمات درباره مراکز صنعتی، احداث راه‌ها و ساختمان‌ها و تنظیم تعرفه‌ها و سیاست‌های مهاجرتی) است.

تقسیم‌بندی دیگر براساس نگرشی است که این سیاست‌ها به نهاد خانواده دارند. در این خصوص، دو دیدگاه مدنظر است: ۱- آیا خانواده به مجموعه‌ای که غیرمستقیم بر اعضای خود هم اثر می‌گذارد، اشاره دارد یا آنکه این سیاست‌ها مربوط به افراد موجود در خانواده (یعنی فرد فرد آن‌ها و نه با دیدی کل‌گرایانه) است. ۲- چه شکلی از خانواده مورد پذیرش است؟ ایران دارای سیاست خانواده ضمنی است، اما سیاست سلامت و اشتغال صریح دارد. همچنین باید اذعان داشت که بسیاری از سیاست‌ها مانند سیاست‌های مسکن، آموزش، بهداشت، سلامت با سیاست‌های مربوط به خانواده مرتبط است. در ایران، دولت از طریق تأمین مزایای شغلی محدود، در خانواده مداخله می‌کند و همچنین مداخلهٔ دولت برای ارائهٔ یارانه زمانی صورت می‌گیرد که خانواده در ارائهٔ خدمت به اعضایش به‌طور کامل قادر نباشد (نظیر برخی کشورهای محافظه‌کار). در نهایت، اگرچه نگرشی سنتی برای حفظ نهاد خانواده وجود دارد، حمایت‌های دولتی از این نهاد، مطلوب و کافی نمی‌نماید.

۱. هدایت‌نیا، فرج‌الله، «تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی در حقوق خانواده ایران»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۶، صص ۳۷۵-۴۰۰.

۲. برای مطالعه دقیق در خصوص مقررات طلاق، جدایی جسمانی، انحلال پیمان مدنی همبستگی و کونکویناژ در حقوق فرانسه، ر. ک: - مواد ۲۲۹ تا پایان ماده ۳۰۹ قانون مدنی فرانسه.
- شاهمرادی، پیشین، صص ۱۸۱-۱۷۱.

با لحاظ مطالب پیشین، اصل بر عدم مداخلات دولت در نهاد خانواده است. مداخله دولت در نهاد خانواده، استثنا بر اصل محسوب می‌شود. دولت در برخی حوزه‌ها بهتر است که اساساً مداخله‌ای نداشته باشد. رگولاسیون در نهاد خانواده باید تنظیم‌گرایانه، حداقلی، مبتنی بر ضرورت و قانون باشد. به‌علاوه، برای تحقق الگوی مطلوب مداخله دولت در نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران، شناخت مبانی فقهی و حقوقی، لازم است دولت در رگولاسیون خود شرایط فقهی را ملاحظه و رعایت کند. بدیهی است که بررسی و شناخت مبانی نظام حقوقی در یک کشور اسلامی، بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و شرایط و واقعیات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه، امکان‌پذیر نیست.

قابل ذکر آنکه نهاد خانواده در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، از مداخله دولت مصون نیست؛ اما این مداخله، استثنایی، تنظیم‌گرایانه، حداقلی و مبتنی بر ضرورت، عقلانیت و قانون است (الگوی مطلوب مداخله بر اساس این پژوهش). مطابق اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لازم است که دولت برای تحکیم و حفاظت از نهاد خانواده، حمایت حداکثری داشته باشد. مداخله دولت در نهاد خانواده، نباید به شیوه تصدی‌گری و حداکثری باشد، بلکه باید دارای جنبه حمایت‌گرایانه و حداقلی باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، مداخله دولت از طریق سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری دولت به سوی الگوی حداقلی در عین حمایت حداکثری از نهاد خانواده (حتی‌الامکان به شکل غیرمستقیم و از طریق فرهنگ‌سازی) انجام شود. همچنین مناسب است سیاست‌گذاران اصلی حوزه رفاه در کشور، براساس یک چهارچوب پارادایمی مشخص در امر سیاست‌گذاری خانواده عمل کنند و از تحول پارادایمی مکرر در حوزه سیاست‌های رفاهی خود امتناع کنند.

منابع

کتاب

۱. شاه‌مرادی زواره، مهرانگیز، *الگوهای حقوقی مدیریت خانواده در حقوق ایران و فرانسه*، تهران: میزان، ۱۳۹۷.
۲. محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه ۵ (بخش عمومی)*، (سیاسی-اداری-حقوق شهروندی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۳. مهدوی زاهد، مهدی، *جامعه‌شناسی حقوق عمومی، مورد کاوی تأثیر و تأثر تحولات خانواده و نظریه دولت در ایران معاصر*، تهران: نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۴. نوبهار، رحیم، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵. ویژه، محمدرضا، *مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی «دوره پیشرفته حقوق عمومی (۱)»*، تهران: جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۶.

مقاله

۶. اسدی، لیلا سادات و زهرا میرزاده، «نسبت خانواده با دو حوزه عمومی و خصوصی؛ با رویکردی به کارکردهای خانواده و مفهوم حریم خصوصی»، *فصلنامه تعالی حقوق*، سال ۵، شماره ۴، ۱۳۹۲.
۷. بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیتکی، «طلاق توافقی؛ حوزه خصوصی یا قلمرو عمومی؟»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ۴، شماره ۱۶ (ویژه نامه)، ۱۳۸۷.
۸. تقی‌زاده زانوقی، مرتضی، «نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان»، *فصلنامه فقه و حقوق نوین*، سال ۱، شماره ۳، ۱۳۹۹.
۹. حاجیان مقدم، فاطمه، رضا صالحی امیری و غلامرضا غفاری، «طراحی الگوی خانواده مستحکم «موضوع سند چشم‌انداز جمهوری

- اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی/ایران، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۱۰. خوئینی، غفور، مریم غنی زاده بافقی و شیرین دشتیان روزبهانی، «تحلیل حقوقی ماهیت توافقات در ضمن طلاق توافقی»، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۷، شماره ۷۶، ۱۴۰۱.
 ۱۱. درگاهی، حسن، مجتبی قاسمی و امین بیرانوند، «عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، جلد ۹، شماره ۴، ۱۳۹۷.
 ۱۲. راسخ، محمد و سید مجتبی حسینی، «مفهوم رگولاسیون در قلمرو حقوق»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، سال ۲۲، شماره ۸، ۱۳۹۴.
 ۱۳. زارعان، منصوره، معصومه زارعی و عطیه هنردوست، «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۳۹۷.
 ۱۴. سیفی، آناهیتا، «کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، دوره ۸، شماره ۲، ۱۳۹۹.
 ۱۵. صادق‌پور، محمد جعفر، حسن علی مؤذن‌زادگان و یوسف فاطمی‌نیا، «تأملی در کیفر تکرار جرم فرزندکشی و اعتیاد به آن با تکیه بر ظرفیت‌های فقه امامیه»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، سال ۲۴، شماره ۲، ۱۳۹۶.
 ۱۶. صادقیان لمراسکی، محدثه، کیومرث کلانتری و ایرج گلدوزیان، «قتل در فراش؛ مهدورالدم دانستن زانی و زانیه، مصداق بارز خشونت خانگی با نگرشی بر فقه و اخلاق»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۹، شماره ۴، ۱۳۹۸.
 ۱۷. صفاری، علی و امیر ایروانیان، «نقش سیاست‌گذاری‌های دولتی بر تشدید روند کودک‌آزاری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۲، شماره ۴۹، ۱۳۸۸.
 ۱۸. عبداللهی، محمدجواد و سپیده همت، «تأثیر کرونا و قرنطینه بر افزایش کودک‌آزاری و راهکارهای حقوقی مقابله با آن»، فصلنامه فلسفه و کودک، شماره ۲۱، ۱۳۹۹.
 ۱۹. عزیززی، مینا و سید حسن حسینی، «تحلیل ظرفیت‌های سیاست‌گذاری نهاد خانواده در ایران برای گسترش اشکال مشروع خانواده»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۳، ۱۳۹۶.
 ۲۰. محسنی، الهه، «بررسی رحم جایگزین در حقوق تطبیقی؛ با تأکید بر حقوق فرانسه، ایران، انگلیس و یونان»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۳، شماره ۴۸، ۱۳۹۸.
 ۲۱. محسنی، الهه، «روش‌های حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق کودک، جلد ۲، شماره ۶، ۱۳۹۹.
 ۲۲. محمودی جانکی، فیروز و مهرانگیز روستایی، «توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۹۲.
 ۲۳. مقدسی، محمد باقر و زهرا عامری، «ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت‌انگاری تا جرم‌انگاری»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۳، شماره ۱۲، ۱۳۹۵.
 ۲۴. مقدسی، محمد باقر و مهرانگیز روستایی، «افزایش جمعیت از رهگذر مداخلات کیفری؛ نگاهی به فرآیند تصویب و چالش‌های اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ۱۴۰۰.
 ۲۵. منوری، نوح، «تقلیل سیاست‌گذاری به الگودهی: نقدی بر سیاست‌های مربوط به خانواده در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی (علمی-پژوهشی) تغییرات خانواده و چالش‌های آن در ایران، شیراز، ارم، ۱۳۹۴.
 ۲۶. مهرآرام، پرهام و بدیع فتحی، «سیاست‌گذاری خانواده با تأکید بر حقوق آلمان»، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۵، شماره ۸۴، ۱۳۹۴.
 ۲۷. موسوی ویایه، فاطمه، مهران سهراب‌زاده، محسن نیازی، «بررسی مختصات سیاست خانواده در ایران بر اساس تحلیل مضمون اسناد بالادستی»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۹۹.
 ۲۸. میلانی، علیرضا و راضیه شفیعی، «بررسی سقط جنین در حمایت از نفس مادر»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره

۶ شماره ۲، ۱۳۹۹.

۲۹. نعمتی، زهرا، محمد فرجی‌ها، رحیم نوبهار و جلیل امیدی، «الگوهای مداخله کیفری تقنینی در قلمرو تجاوز زناشویی؛ مطالعه تطبیقی»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۵، شماره ۱، ۱۴۰۰.

۳۰. هدایت‌نیا، فرج‌الله، «تجویز مشروط یا تحریم مطلق کودک همسری؟»، *فصلنامه دین و قانون*، دوره ۷، شماره ۲۶، ۱۳۹۸.

۳۱. هدایت‌نیا، فرج‌الله، «تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی در حقوق خانواده ایران»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۶.

۳۲. وصالی، سعید و رضا امیدی، «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۹، شماره ۱، ۱۳۹۳.

۳۳. یآوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۳.

پایان‌نامه

۳۴. ابراهیمیان، منیره، «آزادی سقط جنین در ایران، ایرلند و کانادا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.

References

Books

1. Beland, D. *What is social policy? Understanding the welfare state*, Cambridge: Polity, 2010.
2. Jordan, B. *What's wrong with social policy and how to fix it*, Cambridge: Polity, 2010.
3. Mahdavi Zahed, Mahdi, *Sociology of public law, the case study of the impact and influence of family developments and the theory of the state in contemporary Iran*, Tehran: Negah Bayyeneh, First Edition, 2018. (in Persian)
4. Modern, F. and Marcu, G. *Regulatory Law*, Harmattan, 2005, In: Rambaud. R. *The legal institution of regulation*, Harmattan, 2013. (in French)
5. Mohaghegh Damad, Sayyed Mostafa, *The Rules of Islamic Jurisprudence, Public Section (5)*, Tehran: Islamic Law Centre, 2020. (in Persian)
6. Nobahar, Rahim, *Protection of criminal law from public and private spheres*, Tehran: Jungle, First Edition, 2008. (in Persian)
7. Shahmoradi Zavareh, Mehr-Angiz, *The Legal Models of Family Management in Iranian and French Law*, Tehran : Mizan, 2018. (in Persian)
8. Vijeh, Mohammadreza, *Theoretical bases and structure of the rule of law, (Advanced public law course 1)*, Tehran : Jungle, 2017. (in Persian)

Articles

9. Abdollahi, Mohammad Javad and Sepideh Hemmat, "The Impact of Corona virus and Quarantine on the Rise of Child Abuse and their Legal Solution", *Quarterly Journal of Philosophy and Children*, 21, 2020. (in Persian)
10. Asadi, Leila Sadat and Zahra Mirza-Zadeh, "The relationship of the family with two public and private spheres; With an approach to family functions and the concept of privacy", *Journal of Culmination of Law*, 5 (4), 2014. (in Persian)
11. Azizi, Mina and Sayyed Hassan Hosseini, "Capacities of Policy Making in Legitimizing Cohabitation", *Journal of Iranian Social Studies*, Volume 11, Issue 3, 2017. (in Persian)
12. Balavi, Mehdi and Mahnaz Bayat Komitaki, "Compromising Divorce ; Private Domain or Public Domain ? ", *Journal of Family Research*, 4 (16), 2008. (in Persian)

13. Dargahi, Hassan, Mojtaba Ghasemi and Amin Beyranvand, "The Impacts of Economic and Social Factors on Divorce Rate in Iran with Emphasis on Business Cycles, Women's Education and Employment", *Journal of Economics and Modeling*, Volume 9, Issue 4, 2019. (in Persian)
14. Frederique, F. "Family Law and Maintenance Obligations - Comparative Overview", *International Journal of Comparative Law*, Volume 65, Issue 3, 2013. (in French)
15. Frison-Roche, M. A. "Definition of the law of economic regulation", *Dalloz Collection*, 2, 2004. (in French)
16. Hajian Moghaddam, Fatemeh, Reza Salehi Amiri and Golam Reza Ghaffari, "Designing a model of a stable family «the subject of the vision document of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 2025 »", *Journal of Iranian Social Studies*, Volume 11, Issue 1, 2017. (in Persian)
17. Hedayat-Nia, Farajollah, "Conditional prescription or absolute ban on child marriage", *Religion and Law Quarterly*, Volume 7, Issue 26, 2020. (in Persian).
18. Hedayat-Nia, Farajollah, "Facilitating divorce or divorce-elimination in Iranian family law", *Collections of the International Congress of Islamic Humanities*, Volume 3, Issue 6, 2017. (in Persian)
19. Khoeni, Ghafour, Maryam Ghani-ZadeH Bafghi and Shirin Dashtian Roozbahani, "Legal Analysis of the Nature of Agreements in a Consensual Divorce", *Family Law and Jurisprudence Journal*, Volume 27, Issue 76, 2022. (in Persian)
20. Korpi, W., Palme, J. "The paradox of redistribution and strategies of equality: Welfare state institutions", *Inequality and poverty in the western countries :American Sociological Review*, 63 (5), 1998.
21. Laslett, B. "The Family as a Public and Private Institution: An Historical Perspective", *Journal of Marriage and Family*, Volume. 35, Issue 3, Special Section: New Social History of the Family, 1973.
22. Mahmoudi Janaki, Firouz and Mehr-Angiz Roustaie, "Justification of Criminal Intervention; Principles and Necessities", *Journal of Criminal Law Research*, Volume 1, Issue 3, 2013. (in Persian)
23. Mehr-Aram, Parham and Badi' Fathi, "Family Policy with Emphasis on Germany Law", *Judgment Quarterly*, Volume 15, Issue 84, 2016. (in Persian)
24. Milani, Alireza and Raziheh Shafi'ei, "A review of abortion in support of the mother's ego", *Studies of political science, law and jurisprudence*, Volume 6, Issue 2, 2020. (in Persian)
25. Moghadasi, Mohammad Bagher and Zahra Ameri, Forced Marriage; "From the Prohibited Act to Criminalization", *Criminal Law Doctrines*, Volume 13, Issue 12, 2017. (in Persian)
26. Moghaddasi, Mohammad Bagher and Mehr-Angiz Roustaie, "Population Growth through Criminal Interventions; A Look to the Approval Process and the Challenges of the Implementation of the Youthful Population and Protection of the Family Law", *Criminal Law Doctrines*, Volume 18, Issue 22, 2022. (in Persian)
27. Mohseni, Elaheh, "Methods of Fostering Orphaned Children and Children with Unqualified Parents in Iranian Law", *Child's Law Quarterly*, Volume 2, Issue 6, 2020. (in Persian)
28. Mohseni, Elaheh, "Surrogacy in Comparative law; With Emphasis on French, Iranian, English and Greek Law", *Medical Law Journal*, Volume 13, Issue 48, 2019. (in Persian)
29. Monavvari, Nooh, "Reducing policy-making to modeling: a critique of family-related policies in Iran", *Collections of the first national (scientific-research) conference on family changes and its challenges in Iran*, Shiraz: Eram, 2015. (in Persian)
30. Mousavi viayeh, Fatemeh, Mehran Sohrab-Zadeh, and Mohsen Niazi, "Study of Role Model of Family Policy through Analysis of Islamic Republic of Iran Upstream Documents", *Iranian Journal of Public Policy*, Volume 6, Issue 1, 2020. (in Persian)
31. Nemati, Zahra, Mohammad Farajiha, Rahim Nobahar and Jalil Omidi, "Criminal Intervention Patterns in the Scope of Marital Rape; Comparative Study", *Comparative Law Researches*, Volume 25, Issue 1, 2021. (in Persian)
32. Rasekh, Mohammad and Sayyed Mojtaba Hosseini Korabi, "The Concept of Regulation in the

- Legal Field”, *Encyclopedia of Economic Law Bi-Quarterly Journal*, Volume 22, Issue 8, 2016. (in Persian)
33. Sadeghian Lamasasaki, Mohaddseh, Kiumars Kalantari and Iraj Goldouzian, “Murder in marriage bed; believing in shedding adulterer’s and adulteress blood with immunity; an explicit instance of family violence”, *Ethical Research*, Volume 9. Issue 4, 2019. (in Persian)
 34. Sadegh-Pour, Mohamad Jafar, Hassan Ali Moa’zen-Zadegan and Yousef Fatemi-Nia, “A contemplation on punishing recidivism of filicide based on Imamate jurisprudence’s capacities”, *A new exploration in jurisprudence*, Volume 24, Issue 90, 2017. (in Persian)
 35. Saffari, Ali and Amir Iravanian, “The Effects of State Policies on Exacerbation of Child Abuse”, *Legal Research Quarterly*, Volume 12, Issue 49, 2009. (in Persian)
 36. Saraceno, C. “Family Policies, Concepts, Goals and Instrument”, *Collegio Carlo Alberto*, 230, 2011.
 37. Seifi, Anahita, “Children and Domestic Violence with Emphasis on the Law on the Protection of Children and Adolescents Approved in 2020 and International Documents”, *The Bio-Quarterly Journal of Gender and Family Studies*, Volume 8, Issue 2, 2021. (in Persian)
 38. Taghizadeh Zanoughi, Morteza, “Substantive and formal innovations of the new law for the protection of children and adolescents”, *Modern Jurisprudence and Law*, Volume 1. Issue 3, 2020. (in Persian)
 39. Timsit, G. “The Regulation”, *Revue française de l’administration publique*, 109, 2004. (in French)
 40. Vesali, Saeed, Reza Omid, “Social Policy: Themes and Approaches”, *Planning and Budgeting Quarterly*, Volume 19, Issue 1, 2014. (in Persian)
 41. Von Hirsch, Andrew. “Direct Paternalism: Criminalizing Self-Injurious Conduct”, *Criminal Justice Ethics*, Volume 21, Issue 1, 2008.
 42. Yavari, Asadollah, “An introduction to concept of legal regulation”, *Comparative Law Review*, Volume 5, Issue 2, 2015. (in Persian)
 43. Zarea’n Mansoureh, Ma’soumeh Zare’i and Atieh Honardoost, “Empowering the women headed family with regards to policy making, an emphasis on 4th, 5th and 6th development plans”, *Woman in Development and Politics*, Volume 16, Issue 2, 2018. (in Persian)

Thesis

44. Ebrahimian, Monireh, “Abortion freedom in Iran, Ireland and Canada”, Master's thesis, Faculty of Law, *Shahid Beheshti University*, 1396. (in Persian)